

فقدان

له دین الهی به خودکشی

«تو آبی و ما جمله گیاهیم همه / تو شاهی و ما جمله گداییم همه» اعتراف مشترک سه دین الهی یهود، مسیحیت و اسلام است. حاکمیت روح و جسم انسان تنها از آن خداست؛ اوست که با لطف یا به تقدیر خود انسان را تجسم بخشیده و اجازه حیات داده، شرایط رشد را برای او مهیا کرده و به اختیار خودش نیز از او جان می‌گیرد. هر دختالی در این اختیار در تضاد با خواست و اراده خداست. یهودیت این دخالت را بر اساس قدرت تفسیر می‌کند: کسی که خودکشی کرده، خود را به اندازه یهوه قدرتمند و صاحب اختیار فرض کرده است. مسیحیت آن را اسائه ادب به لطف الهی می‌داند. خودکشی برای مسیحی مؤمن، شبیه پس دادن هدیه، کاری بی ادبانه است. در اسلام، پیش از آنکه نیاز به تفسیر باشد، ممنوعیت خودکشی برآمده از دستور الهی است: خود را نکشید! آنچه از خلال الهیات برمی آید اهمیت چند مفهوم نزد همه ادیان الهی است: حاکمیت خدا بر هر آنچه در زمین و آسمان است، اهمیت رنج در تعالی انسان و اجتناب ناپذیری آن حتی برای پیامبران و صالحان، بیهوده نبودن خلقت و هدفمند بودن حیات انسان. این رویکردها در طول تاریخ تغییرات زیادی داشته‌اند. بالاپایین شده‌اند. از نظریه‌های علوم انسانی درباره مرگ متأثر شده‌اند، مسئله خودمختاری، رشد نظریه‌های عقل‌گرایانه اخلاق و الهیات تن پایه‌های تغییرات دینی در جوامع، پنجه در پنجه ممنوعیت گناه آلود خودکشی انداخته‌اند. جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از سوی دیگر سهم عمده‌ای در تعدیل تفسیرها درباره خودکشی داشته‌اند. اگرچه رویه ادیان مقابل رویکردهای جدید تاب‌آوری راست کیشانه‌ای دارد، اما جوامع دینی و الهی دانان در واکنش به این موضوع فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده‌اند. در این بین، بیشترین تغییر در رویه از آن مسیحیت بوده است.



ساجده ابراهیمی

دبیر پرونده

خودکشی‌ها سال‌ها بعد در واقعه ماسادا با عنوان «عمل قهرمانانه» خود را نشان داد.

سال ۷۳ میلادی، یهودیان قلعه ماسادا در آستانه شکست مقابل سپاه روم، خودکشی دسته جمعی را به اسارت ترجیح دادند. العاذر، رهبر ماسادا، در سخنرانی پیش از مرگش تفسیری کاملاً خلاف باورهای مسلم دین یهود از خودکشی ارائه داد: «مرگ مانند خواب است و ما را از وجودی کوتاه و ناخوشایند رهایی می‌بخشد. زمانی که تنها چیزی که می‌توان پیش بینی کرد مصیبت‌های بیشتر است، ادامه زندگی غیرمنطقی است. از آنجایی که همه ما باید یک روز بمیریم، چرا بهترین لحظه را برای این کار انتخاب نکنیم؟ روح ما در آرزوی ترک زندان بدن و برخورداری از جاودانگی پربرکت پس از این زندگی بد زمینی است.

خودکشی مقدس

«ایمملک نزد برج رفته، بر آن یورش برد و به دروازه برج نزدیک شد تا آن را با آتش بسوزاند. زنی سنگ آسیابی بر سر ایمملک افکند و کاسه سرش را شکست. ایمملک بی درنگ جوان سلاح‌دارش را خوانده و به وی گفت: شمشیرت را بربکش و مرا بکش! مبادا درباره من بگویند زنی او را کشت. پس آن جوان شمشیر خود را در وی فرو برد و او بمرد.»^۱

تصمیم خودکشی ایمملک، یکی از داوران بنی اسرائیل، اولین خودکشی‌ای است که در تورات از آن یاد شده است. اما ماجرا خلاصه به اینجا نمی‌شود و پنج مورد دیگر از اقدام یا تصمیم به خودکشی در کتاب‌های پادشاهان و داوران و تواریخ یاد شده است. مبانی نظری این

تابوت عاج

عاج حکاکی شده از تملیب مسیح و خودکشی یهودا که کیسه‌ای از نقره زیر پای او افتاده است